



The Unity of Jurisprudence, Legal and Moral Criteria between Killing a Frozen Embryo and Abortion

Nasibeh Hashemi Nejad¹ Faezeh Azimzadehardebili²
Maryam Sadat Mohaghegh Damad³

Doi:

10.30497/FLJ.2023.243569.1836



Abstract

Infertility, which is one of the most important problems of human societies, has been solved to some extent with the help of one of the achievements of medical knowledge, i.e., freezing the fetus resulting from the artificial and ectopic fertilization of the parental gametes. Now, the freezing and storage of embryos in freezing banks will cause jurisprudential, legal and social issues in this field, one of which is the existence of common criteria between the destruction of frozen embryos and abortion. Therefore, the basic question in this research is: Is there a unity of criterion between killing frozen embryos as a part of laboratory embryos and abortion from the point of view of jurisprudence, legal and moral? The current research has been conducted in documentary- library style and by descriptive-analytical method, the studies shows, there is a unity between the destruction of frozen embryos and abortion, in this sense, the frozen embryo as an ectopic coagulated sperm, like an intrauterine embryo, is a potential human being that can be actualized and has the right to life and human dignity, because from a legal point of view, a human being has the right to life and respect from the moment of the formation of the smallest part of existence and its eliminating at any stage is against the morality and human dignity of the fetus and against the relationship of trust between the parents and fetus and it is not acceptable. Also, eliminating a human being at any stage violates one of the purposes of marriage, i.e. childbearing, which is one of the common criteria of killing a frozen embryo and abortion; therefore, the sanctity of loss is true in both cases, and the coagulation of sperm inside the womb (a common thing) or its outside, is the origin of human creation and the minimum level of humanity has been reached in it, and the condition for the fetus to have the right to life, to be fertilized and be born alive; therefore, the formation and development in the womb does not have the characteristics that the only right to life be exclusive to the fetus in the womb. From this point of view, some jurists believe that it is necessary to be careful to preserve frozen embryos and they consider the elimination of frozen embryos as abortion and require payment of ransom.

Keywords: frozen embryo, artificial insemination, infertility, embryo implantation, right to life, abortion.

1. MA student of Family Law in Imam Sadiq University, Tehran, Iran

ns.hashemi.74@gmail.com

2. (Corresponding Autor) Associate Professor, Department of Islamic Jurisprudence, Imam Sadiq university, Tehran, Iran

azimzadeh@isu.ac.ir

3. Assistant Professor Department Law, Imam Sadiq university, Tehran, Iran

m.mohaghegh@isu.ac.ir

وحدت ملاک فقهی، حقوقی و اخلاقی بین معدوم کردن جنین فریز شده با سقط جنین

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش:

نسبیه هاشمی نژاد^۱

۱۴۰۲/۰۲/۲۳

مریم‌السادات محقق داماد^۲

فائزه عظیم زاده اردبیلی^۳

Doi:10.30497/FLJ.2023.243569.1836

چکیده

ناباروری که یکی از مشکلات مهم جوامع انسانی است به کمک یکی از دستاوردهای دانش پزشکی یعنی فریز کردن جنین حاصل از لقاح مصنوعی و خارج رحمی سلول جنسی والدین، تا حدودی حل شده است. حال فریز و نگهداری جنین در بانک‌های انجماد موجب ایجاد مسائل فقهی، حقوقی و اجتماعی در این زمینه خواهد شد که یکی از آن‌ها وجود ملاکات مشترک بین معدوم کردن جنین فریز شده و سقط جنین است. لذا پرسش اساسی در این پژوهش عبارت است از اینکه آیا بین معدوم کردن جنین‌های فریز شده به عنوان قسمی از جنین‌های آزمایشگاهی با سقط جنین از لحاظ فقهی، حقوقی و اخلاقی وحدت ملاک وجود دارد؟ روش پژوهش حاضر اسنادی-کتابخانه‌ای و نوع تحقیق توصیفی-تحلیلی است و با مطالعات به عمل آمده مشخص گردید بین معدوم کردن جنین فریز شده و سقط جنین از این جهت وحدت ملاک وجود دارد که جنین فریز شده به عنوان نطفه منعقد خارج رحمی مانند جنین داخل رحم، انسانی بالقوه است که توانایی بالفعل شدن را دارد و دارای حق حیات و کرامت انسانی می‌باشد؛ زیرا انسان از منظر قانونی از زمان تشکیل کوچک‌ترین جزء وجودی دارای حق حیات و احترام است و از بین بردن آن در هر مرحله خلاف اخلاق و شأن انسانی جنین و خلاف رابطه امانت بین والدین و جنین بوده و صحیح نیست. همچنین از بین بردن انسان در هر مرحله موجب نقض یکی از اغراض نکاح یعنی فرزندآوری است که از ملاک‌های مشترک معدوم کردن جنین فریز شده و سقط جنین می‌باشد؛ لذا حرمت اتلاف در هر دو صادق است و انعقاد نطفه داخل رحم (امر شایع) یا خارج آن مبدأ خلقت انسان بوده و حداقل مرتبه انسانیت در آن طی شده است و شرط برخورداری جنین از حق تمتع (حق حیات)، انعقاد نطفه و زنده متولد شدن است؛ بنابراین شکل‌گیری و تکامل در رحم خصوصیتی ندارد که حق حیات منحصر به جنین در رحم باشد. از این منظر برخی از فقها قائل به وجوب احتیاط به حفظ جنین‌های فریز شده هستند و معدوم کردن جنین‌های فریز شده را در حکم سقط جنین و مستلزم پرداخت دیه می‌دانند.

کلید واژه‌ها

جنین فریز شده، تلقیح مصنوعی، ناباروری، لانه‌گزینی جنین، حق حیات، سقط جنین

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران.
ns.hashemi.74@gmail.com
۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران.
m.mohaghegh@isu.ac.ir
۳. نویسنده مسئول، دانشیار گروه فقه و حقوق دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خاوران، تهران، ایران.
azimzadeh@isu.ac.ir

مقدمه

«همانا ما انسان را از آب نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم (لذا) او را شنوا و بینا قرار دادیم»؛ «و خداوند خلق کرد شمارا از خاک سپس از نطفه»^۱ انسان موجودی علاقه‌مند به جاودانگی است و یکی از راه‌هایی که نوع انسان را جاودانه می‌کند فرزند آوری بوده و به همین دلیل انسان در طول اعصار متعدد هرگز از زادآوری دست برنداشته است و با وجود مشکلات و مسائل مختلف دائماً به تداوم نسل خود اندیشیده است و آن را مهم قلمداد می‌کند پس تولیدمثل و داشتن فرزند از چنان اهمیتی برخوردار است که خدای متعال آن را ستوده و در آیه ۷۲ سوره مبارکه نحل بیان می‌دارد: «وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً؛ و خداوند برای شما از خودتان همسرانی قرار داد و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد» بر همین مبنا خانواده و تولیدمثل دو رکن اساسی زندگی بشری محسوب می‌شوند و تمایل به بقای نسل یک نیاز غیر جسمانی است. ولی این مهم، بدون برخورداری از سلامت جسمانی دست‌نیافتنی است و اگر هر یک از زن و مرد یا هر دوی آنها از چنین سلامتی که منجر به فرزند آوری می‌شود برخوردار نباشند امکان تولیدمثل صحیح را نخواهند داشت که این مشکل، ناباروری بوده و آنها را از نعمت وجود فرزند و یا فرزندی سالم محروم می‌کند. لذا بشر همواره در تکاپو بوده است که از روش‌های علمی و نوین برای چیرگی بر مشکلات ناباروری بهره‌جوید و گسترش و تعالی دانش‌های بشری و دستیابی دانشمندان به فن‌آوری‌های نوین برای حل معضلات کنونی مانند ناباروری، ماحصل دنیای معاصر می‌باشد که یکی از این فناوری‌ها استفاده از روش‌های کمک باروری و تلقیح مصنوعی بوده و موجب امیدواری زوجین نابارور به برخوردار شدن از نعمت فرزند است. حال یکی از اقسام تلقیح مصنوعی و فرزند دار شدن به این روش، فریز جنین‌های تشکیل‌شده از نطفه زوجین است و برای تشکیل این جنین‌های فریز شده، ابتدا پزشکان اسپرم و تخمک زوجین را به روش خارج رحمی به جنین تبدیل می‌کنند و جنین‌ها طی عملیات پزشکی، فریز شده و تا زمان انتقال به

۱. إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا (انسان، ۲)؛ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ (فاطر، ۱۱).

رحم در دستگاه‌های مخصوص فریز نگهداری می‌شوند. لذا باید توجه داشت این روش به دلیل نوظهور بودن، باعث به وجود آمدن بسیاری از مباحث و چالش‌های مختلفی می‌شود که در صورت عدم توجه به آن‌ها مشکلات عدیده‌ای را به وجود خواهد آورد به‌عنوان مثال در صورت اختلاف والدین جنین فریز شده بین معدوم کردن و یا نگه‌داشتن جنین و یا عدم توافق در محل لانه‌گزینی و در نهایت تقدم از بین بردن جنین فریز شده، به هر دلیل مانند توافق از پیش تعیین‌شده، شرط و یا هر دلیل دیگری مجاز است و یا خیر؟ آیا بین معدوم کردن جنین‌های فریز شده و سقط جنین وحدت ملاکی وجود دارد؟ این پژوهش سعی دارد با بررسی رهیافت‌ها و نظرات مختلف سقط جنین و تحلیل جنین در خارج از رحم طبیعی مانند رحم مصنوعی یا محیط آزمایشگاه و بررسی اسقاط نطفه قبل و بعد از انعقاد و ادله جواز و عدم جواز مربوط به هریک و حرمت اتلاف نطفه‌ای که در غیر رحم منعقد شده است (که جنین فریز شده از این نوع می‌باشد) و تمسک به آیات و روایت و بررسی کتب فقهی و حقوقی، برای پاسخ به سؤال فوق راه‌حل‌های منطقی برگزیند. همچنین موضوعات مرتبط با بحث جنین فریز شده مانند ماهیت جنین فریز شده، روابط بین والدین و جنین فریز شده، قرارداد بین والدین و مراکز انجماد، ارث و نسب جنین فریز شده و... در پژوهش‌های متعددی بیان و شرح گردیده است؛ اما موضوع ملاکات مشترک بین معدوم کردن جنین فریز شده و سقط جنین از منظر فقهی، حقوقی و اخلاقی در هیچ پژوهشی مورد بررسی قرار نگرفته است؛ لذا موضوع پژوهش حاضر از این جهت دارای نوآوری بوده و بررسی آن دارای وجاهت فقهی، قانونی و اخلاقی همچنین در حیطه عمل دارای ارزش علمی خواهد بود.

مفهوم‌شناسی مصطلحات

- جنین فریز شده

واژه جنین^۱ از ریشه اجتنان و در لغت به معنای هر چیز پوشیده و مستور است و به کودک تا زمانی که در شکم مادر است، جنین اطلاق می‌شود (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴هـ.ق، ۴۰۹، راغب

1. fetus, foetus, embryo

اصفهان، ۱۴۱۲ هـ.ق، ص ۲۰۴). در واقع جنین محصول حاملگی است که مبدأ آن استقرار نطفه در رحم و انتهای آن لحظه ماقبل تولد است. به دلیل این که این مقطع از حیات، به وسیله زهدان مادر پوشیده، آن را جنین می‌نامند (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۹۳ و ۴۹۲). در فرهنگ معین، جنین به معنای هر چیز پوشیده و مستور، موجودی که پس از لقاح تخمک به وسیله اسپرماتوزوئید و پس از تقسیمات اولی سلولی تخم حاصل می‌شود ولی هنوز دوران رشد خود را در داخل پوسته تخمک یا رحم مادر (کیسه جنینی در گیاهان) می‌گذراند، مفهوم شناسی شده است (معین ۱۳۸۱، ص ۵۴۱). در نوشته‌های فقهی و حقوقی جنین به عنوان تخمک بارور شده استقرار یافته در درون رحم تا هنگام تولد است (باقری نسب، ۱۳۹۱، ص ۷) و تخمک بارور یا به تعبیر دیگر جنین‌های تشکیل شده قبل از انتقال به رحم را جنین یا جنین بالقوه (pre-embryo) تعبیر کرده‌اند (نایب زاده، ۱۳۸۰، ص ۲۴).

انجماد در لغت نیز به معنای یخ بستن، جامد گردیدن به کار رفته است (معین، ۱۳۸۱، ص ۲۰۰). برای انجماد جنین متقاضیان، ابتدا از طریق روش لقاح مصنوعی خارج رحمی یا IVF، اسپرم مرد و تخمک زن جهت تشکیل جنین در خارج از بدن، در محیط آزمایشگاه باهم ترکیب می‌شوند؛ مراحل اصلی در سیکل‌های IVF شامل: تحریک تخمک‌گذاری، برداشت تخمک، تلقیح، لقاح، کشت جنین، و انتقال جنین یا انجماد جنین است (yanabimachi, 1994). طی تحریک تخمک‌گذاری، داروهای محرک تخمک‌گذاری، که داروهای باروری نیز نامیده می‌شوند، برای تحریک تخمدان‌ها به منظور تولید چندین تخمک بالغ (به‌طور معمول هر ماه یک تخمک از هر تخمدان آزاد می‌شود) به کار می‌روند (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۶) بعد از اخذ تخمک، اسپرم روی تخمک‌ها ریخته می‌شود. حدود ۳۰ ساعت پس از لقاح، تخمک لقاح یافته به ۲ سلول تقسیم می‌گردد و رویان نامیده می‌شود. رویان طی کشت، چندین تقسیم سلولی انجام می‌دهد. پس از ۴۸ تا ۷۲ ساعت، جنین ۴ تا ۱۲ سلولی آماده می‌شود (همان‌جا)، قدم بعدی انجماد جنین می‌باشد؛ در این مرحله جنین با ضدیخ‌های نفوذناپذیر با غلظت پایین ۱/۵ مولار، تا دمای ۳۰- تا ۸۰- درجه سانتی‌گراد سرد می‌شود و سپس وارد نیتروژن مایع می‌گردد. به این ترتیب با کاهش تدریجی

دما، فعالیت حیاتی سلول نیز تدریجاً کاهش یافته، نهایتاً در دماهای پایین‌تر متوقف می‌گردد (Whittingham, 1971) بر اساس مطالعات، میزان باروری حاصل از جنین منجمد با باروری‌های حاصل از جنین تازه قابل مقایسه است (Veek, 2004). بنابراین جنین فریز شده همان جنین آزمایشگاهی ۴ الی ۸ سلولی حاصل از لقاح مصنوعی خارج رحمی اسپرم و تخمک زوجین است که برای بالا بردن سطح باروری، حذف مشکلات روحی و جسمی مادر و غیره، در زوجینی که تمایل به بچه‌دار شدن در آینده یا در سنین بالا را دارند، تا زمان انتقال به بدن زوجه با شرایط ویژه در دمای ۱۹۶ درجه زیر صفر با توقف تمام فعالیت‌ها در تانکرهای مملو از اُزت نگهداری می‌شود (تقوی و همکاران، ۱۳۹۴؛ Cynthia, 2010).

- تلقیح مصنوعی

برای به وجود آمدن و منجمد کردن جنین، ابتدا اسپرم و تخمک والدین با یکدیگر در محیط خارج رحمی، ترکیب می‌شود و چون انجام روش تلقیح و ترکیب دو سلول جنسی به‌طور طبیعی نمی‌باشد به لقاح غیرطبیعی یا مصنوعی تعبیر شده است. لذا تلقیح در لغت از واژه لقح به معنای آبستن کردن و باردار کردن می‌باشد که (لقح) خود به معنای آبستن شدن جنس مؤنث است (معلوف، ۱۹۹۲، ص ۷۲۸؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۰۸۲). واژه لقاح به معنای باردار شدن است (إفريقي المصري، ۱۹۹۷م، ص ۵۱۲؛ صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۰) البته در جایی دیگر واژه «لقاح» به فتح لام و «لقاح» به کسر لام، به معنای ماء الفحل یعنی مایع و آب نرینه است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۷۹؛ خلف احمد و دیگران، بی‌تا، ص ۸۳۴). استعمال واژه «لَقَحَ» در مورد زنان بسیار مشاهده شده است؛ بنابراین به‌طور کلی ماده تلقیح در مورد آبستن کردن استعمال می‌گردد.

مفهوم اصطلاحی تلقیح مصنوعی عبارت است از این‌که زن را با وسایل مصنوعی و بدون آن‌که نزدیکی صورت گیرد، باردار کنند (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۹؛ ویلسون، ۱۳۷۱، ص ۳۸۳) در اصطلاح فقه، حقوق و پزشکی نیز تلقیح بدین مفهوم است که اسپرم و تخمک به‌وسیله ابزار پزشکی یا هر وسیله دیگری غیر از مقاربت و نزدیکی ترکیب شوند و به تعبیر دیگر اسپرماتوزوئید

را با وسایل پزشکی وارد رحم زن کرده و از این راه او را باردار نمایند (صفایی و امامی، ۱۳۹۵، ص ۳۶۰).

- ناباروری

یکی از مهم‌ترین و ناشناخته‌ترین مشکلات بهداشت باروری در کشورهای در حال توسعه مشکل نرخ بالای ناباروری و نبود و نداشتن فرزند است (Bergstrom, 1992)؛ به طوری که در منبعی برآورده شده است که حدوداً ۱۰ تا ۱۵ درصد از زوج‌های ازدواج کرده دارای مشکل ناباروری و عدم فرزند دار شدن هستند (seroure, 1996)؛ ناتوانی در تولیدمثل اغلب به عنوان یک فاجعه شخصی برای زن و شوهر شمرده می‌شود که نه تنها بر روی زوجین بلکه بر روی تمام اعضای خانواده و حتی جامعه اثر می‌گذارد و عواقب روانی عدم تولیدمثل و فقدان فرزند به طور اغلب شدید و غیرقابل تحمل است (Dyer, et al, 2002). ناباروری به طور کلی به زمانی گفته می‌شود که زوجین به طور عادی و طبیعی دارای فرزند نمی‌شوند، اما برای بررسی جزئی‌تر این واژه باید دانست که ناباروری به عدم وقوع حاملگی پس از یک سال مقاربت کافی و منظم و بدون استفاده از روش‌های جلوگیری گفته می‌شود (Zegers-Hochschild et all, 2009)؛ به بیانی دیگر عدم توانایی در به اتمام رساندن حاملگی و به دنیا آوردن نوزاد زنده را ناباروری گویند (حمد الهی و روشن، ۱۳۸۸، ص ۳۷). ناباروری به ناباروری اولیه و ناباروری ثانویه تقسیم شده است.

ناباروری اولیه به نوعی از نازایی گفته می‌شود که در آن پس از یک سال مقاربت بدون پیشگیری، حاملگی رخ ندهد و نازایی ثانویه به مواردی اطلاق می‌شود که در آن زن حداقل یکبار سابقه حاملگی داشته ولی اکنون قادر به باروری نمی‌باشد. ناباروری در انسان می‌تواند منشأ پدری مانند واریکوسل^۱ و آزواسپرمی^۲ یا منشأ مادری مانند آژنزی تخمدان^۳ داشته باشد.

1 . Varicocele

2 . Azoospermia

۳ . Agenesis . آژنزی یا فقدان واژن، حالتی است که در یک خانم به صورت مادرزادی واژن وجود ندارد. فقدان واژن ممکن است کامل باشد یعنی بیمار به صورت کامل دارای واژن نیست یا این که ناقص است؛ یعنی فقط قسمتی از

البته باید توجه داشت که ناباروری به معنی عدم تولید گامت نیست، بلکه عدم توان تولد نوزاد زنده را ناباروری گویند (Larsen, 2000).

- لانه گزینی جنین

لانه گزینی مرحله‌ای مهم از بارداری و نقطه آغاز زندگی رحمی به شمار می‌رود. این مرحله به دنبال لقاح تخمک و اسپرم در یکی از لوله‌های فالوپ صورت می‌گیرد. وقتی تخمک در لوله‌های فالوپ توسط اسپرم بارور می‌شود، سلول تخم یا زایگوت، ایجاد شده و بارداری اتفاق می‌افتد و طی ۲۴ ساعت پس از بارور شدن، نخستین تقسیم سلولی را با استفاده از فرآیند «میتوز»^۱ انجام می‌دهد؛ یعنی یک سلول به دو قسمت، دوبه‌چهار، چهار به هشت و... تقسیم می‌شود. این تقسیمات پی‌درپی سلولی به همین ترتیب ادامه می‌یابند تا در نهایت توده‌ای به شکل توت از سلول‌ها ایجاد شود. به این مجموعه سلولی مورولا^۲ گفته می‌شود (مورولا به معنای توت کوچک). سلول تخم یا زایگوت که هم‌چنان در حال تقسیم شدن است به حرکت خود به جلو و به سمت رحم ادامه می‌دهد، در این حین انقباضات لوله فالوپ همراه با حرکت مژک‌های مویی شکل مخاط آن، سلول تخم را به جلو رانده و آن را به سوی رحم هدایت می‌کنند؛ پس از ۵ تا ۷ روز، این مجموعه سلول به رحم می‌رسد. مورولا در رحم تبدیل به بلاستوسیست^۳ (توده‌ای با بیش از ۱۰۰ سلول و بیشتر) می‌شود که به اندازه ۰/۱ میلی‌متر شبیه سر سوزن است؛ بلاستوسیست دارای دو لایه است، لایه اول که همان لایه خارجی است، به دنبال تکامل بیشتر، تبدیل به جفت شده و شروع به ترشح هورمون بارداری «hCG^۴» می‌کند و لایه داخلی نیز در نهایت جنین را می‌سازد. بلاستوسیست ابتدا درون حفره رحمی شناور بوده و از طریق شیره‌هایی که از لایه‌های داخلی رحم ترشح می‌شود، تغذیه می‌کند. در اواخر هفته سوم، بلاستوسیست (کانسپتوس یا نطفه) ماهیت مهاجمی پیدا کرده و

واژن تشکیل شده است. میزان شیوع این بیماری یک در ۵۰۰۰ است. اغلب این بیماری در دوران بلوغ شناخته می‌شود که بیمار متوجه می‌شود مثل بقیه دوستان خود عادت ماهانه نمی‌شود.

(<https://www.magiran.com/article/3687826>).

- 1 . Mitosis
- 2 . Morula
- 3 . Blastocystis
- 4 . Human chorionic gonadotropin

به محض رسیدن به رحم جهت دریافت اکسیژن و مواد غذایی به دیواره ضخیم شده رحم که جهت باروری به این صورت اختصاص یافته، به سختی وصل می‌شود. این مرحله، یعنی وصل بلاستوسیست به لایه رحمی، «لانه‌گزینی^۱» نامیده می‌شود؛ این امر منجر به بروز خونریزی خفیفی از دیواره رحم می‌شود که خونریزی لانه‌گزینی نطفه، نام دارد. به دنبال وقوع این حالت، باروری انجام می‌گیرد. در حالت عادی اسپرم معیوب توانایی لقاح با تخمک را ندارد، ولی با روش‌های لقاح مصنوعی امکان بارورسازی مستقیم تخمک توسط اسپرم وجود دارد. لقاح در لوله آزمایش یا IVF^۲ روشی است که در آن سلول‌های تخمک را در شرایط آزمایشگاهی با اسپرم بارور می‌کنند و یک یا چند سلول تخم به دست آمده را پس از گذشت چند مرحله تقسیم سلولی، در رحم قرار می‌دهند تا روند رشد جنین به‌طور طبیعی ادامه پیدا کند. بنابراین لانه‌گزینی یا کاشت در انسان، نخستین مرحله بسیار ابتدایی بارداری است که در آن بلاستوسیست به دیواره رحم می‌پیوندد و از این پس جنین خوانده می‌شود. در این مرحله از پیشرفت دوران بارداری، جنین یک بلاستوسیست است؛ از راه این پیوستگی است که جنین می‌تواند مواد غذایی و اکسیژنی را که برای رشد خود به آن‌ها نیاز دارد از مادر دریافت کند. در انسان، لانه‌گزینی یک تخمک بارور شده به احتمال زیاد در حدود ۹ روز، و در نهایت بین ۶ تا ۱۲ روز پس از تخمک‌گذاری رخ می‌دهد (Wilcox, 1999). بنابراین لانه‌گزینی جنین یک مرحله‌ی مهم از روند تولیدمثل در بسیاری از گونه‌ها است و یک پدیده بیولوژیکی منحصر به فرد می‌باشد که طی آن بلاستوسیست به سطح آندومتر مادر متصل می‌شود. هم‌چنین با توجه به نقل دیگری، لانه‌گزینی تقریباً ۹ الی ۱۲ روز بعد از زمان تخمک‌گذاری رخ می‌دهد. برای این که لانه‌گزینی جنین به‌طور موفق انجام شود به یک آندومتر طبیعی و پذیرنده، جنین طبیعی و عملکردی در مرحله بلاستوسیست و یک ارتباط هماهنگ بین بافت مادر و جنین نیاز است (Sharma, 2012).

– حق حیات

حق و مفهوم آن در میان حقوق‌دانان و فقها، در این موارد به کار می‌رود: الف. اموری در قانون

1. embryo implantation
2. In vitro fertilization

پیش‌بینی شده و افراد مجازند که به قصد خود برخی از آن‌ها را تغییر دهند، این امور قابل تغییر را، حق گویند. ب. حق نوعی مال است و در مقابل عین، دین، منفعت و انتفاع به کار می‌رود، چنانچه گویند مالکیت حق مانند مالکیت حق خیار (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۱۶). ج. حق عبارت است از قدرت فرد انسان برابر قانون بر انسان دیگر یا بر مال یا بر هر دو اعم از مادی یا معنوی. در حقوق اسلام، عقیده بر این است که هر حق دست‌کم باید یکی از سه اثر: قابلیت اسقاط، قابلیت نقل و قابلیت انتقال را دارا باشد (لطفی، ۱۳۸۱، ص ۱۵). طبق نظر دکتر کاتوزیان حق، امتیازی است که قواعد حقوقی، برای تنظیم روابط اشخاص به سود برخی از آنان در برابر دیگران ایجاد می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ص ۱). حال آیا اطلاق لفظ حق در مبحث حقوق طبیعی و حقوق بشر به معنی حقی است که قابلیت اسقاط، نقل و تبدل و انتقال را دارا است؟ یعنی همان‌گونه که کسی می‌تواند حق مالکیت انتفاع و... خویش را اسقاط، نقل یا به دیگری منتقل کند، در این جا هم همین‌گونه است؟ در پاسخ باید گفت: منشأ حق را هر چه بگیریم، اعم از این‌که قائل باشیم منشأ حق، خداوند است یا فطرت آدمی، یا منشأ اجتماعی و یا منشأ دولتی؛ هر کدام طبق نظریات موجود، می‌توانند منشأ حق باشد (لطفی، ۱۳۸۱، ص ۱۶). برخی اعتقاد دارند به کار بردن حق با اصطلاح رسمی که قابل نقل و انتقال و سقوط است درباره حیات غلط است؛ بلکه چنانچه در مورد حق کرامت و حق آزادی مطرح می‌شود، به کار بردن اصطلاح فوق، صحیح نیست زیرا حق حیات، کرامت و آزادی نه قابل نقل و انتقال است و نه قابل اسقاط و در اینجا بایستی اصطلاح مناسب‌تری به کار برده شود که همان حکم است (جعفری، ۱۳۷۰، ص ۲۶۰).

پس برای مفهوم شناسی حق حیات باید گفت، حیات در لغت به معنای نقیض موت و به معنای اعتدال مزاج یا قوه حس، زنده‌بودن، زیستن می‌باشد (معین، ۱ ص ۳۸۱، ص ۶۰۵). این واژه به معنای زندگی نیز بیان شده است و جمله «لا يزال فی قید الحیاة»؛ یعنی او همچنان زنده است و کلمه الحیوان که جمع آن حیوانات می‌باشد نیز از همین ماده است و به معنی حیوان است (محمود زاده ازبری، ۱۳۸۹).

صاحب مفردات در بیان معنای لغوی حیات، استعمال واژه حیات به معنای زندگی را بر

وجوهی صادق می‌دانند که به این شرح هستند: ۱. نیروی رشد دهنده و نمو دهنده گیاهان و حیوانات است که در آیه ۱۷ سوره مبارکه حدید از آن این‌گونه تعبیر شده است «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ بدانید که خداست زمین را پس از مرگ زنده می‌گرداند. ۲. نیروی حس‌کننده و حساس، که در آیه ۲۵ و ۲۶ سوره مبارکه مرسلات نام برده شده است «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كَفَاتًا أَحْيَاءً وَأَمْوَاتًا»؛ آیا ما زمین را جامع و کافی قرار ندادیم؟ تا زندگان روی زمین تعیش کنند و مردگان درونش پنهان شوند. ۳. قوه و نیروی عمل‌کننده عاقله، که آیه ۱۲۲ سوره مبارکه انعام مؤید این موضوع است «مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ»؛ کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم. ۴. برطرف شدن غم و اندوه، در آیه ۱۶۹ سوره مبارکه آل‌عمران «بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»؛ بلکه زنده‌اند در نزد خدا متنعم خواهند بود. ۵. حیات جاودان اخروی که با حیات عقلی، و زندگی از روی علم و آگاهی دنیا به دست می‌آید در آیه ۲۴ سوره مبارکه انفال بیان شده است: «اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»؛ چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست (ایمان) دعوت کنند اجابت کنید (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ ق، ۲۶۸-۲۷۰). ۶. حیاتی که خدای تعالی با آن توصیف می‌شود «حی».

حیات در معنای اصطلاحی، متصف ساختن وضعیّت موجودات زنده به این صفت است، بدین معنا که این موجود یا موجودات دارای استعداد رشد، بلوغ، به حد کمال رسیدن، توسعه یافتن و جایگزین کردن سلول‌های مرده هستند (مهرگان، ۱۳۸۴). یکی از فقها عظام در این زمینه بیان می‌دارد: از دیدگاه قرآن، حق حیات تنها از سوی خداوند به انسان بخشیده شده و از این رو تنها خداوند می‌تواند در آن تصرف کند. پس هرگونه نابودی مادی و معنوی بدون اذن پروردگار چه از سوی خود و چه از سوی دیگران، ممنوع است و اعتقاد دارد حیات، گذشته از آن‌که حق انسان است وظیفه او نیز به شمار می‌رود و هیچ‌کس نمی‌تواند دوش خود را از این وظیفه خالی کند (جوادی آملی، ۱۳۷۷، ۱۷۶).

- سقط جنین

سقط کلمه‌ای با ریشه عربی است که از مصدر سقوط گرفته شده است. از نظر لغوی، سقط

به‌عنوان «افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم» تعریف شده است (معین، ۱۳۸۱، ص ۸۶۴) از نظر اصطلاحی نیز، از سقط جنین تعاریف مختلفی ارائه شده است اما آنچه در این تعاریف مشترک به نظر می‌رسد چند نکته است اول این که باید جنین از رحم مادر خارج شده باشد، دوم ادامه حیات وی امکان‌پذیر نباشد و سوم این که جنین قبل از اخراج تلف نشده باشد؛ چنانکه در اصطلاح پزشکی به آن پرداخته و بیان شده است که سقط جنین خارج شدن حاصل باروری از رحم مادر، درحالی که آن موجود قادر به زندگی کردن در خارج از آنجا نیست، اطلاق می‌شود و در گذشته، برخی از نویسندگان، زمان را در اطلاق سقط مؤثر دانستند ولی امروزه توقف ادامه بارداری در هر مرحله‌ای از آن سقط جنین محسوب و قابل مجازات است. چنان که قانون‌گذار اسلامی از اولین لحظات وجود برای جنین قابلیت حلول حیات فرض کرده است و آن را محترم شمرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۲۷۶). در تعریف دیگری از سقط جنین از جانب اطباء بیان شده است که سقط جنین عبارت است از انداختن بار ناقص الخلقه و ناتمام، چه از جانب زن باشد و چه از غیر او (محسنی، ۱۳۸۴).

۱. رهیافت‌های سقط جنین

۱.۱. رهیافت محافظه‌کارانه

از دیدگاه این رهیافت که تا اواخر دهه پنجاه، رهیافت مسلط به شمار می‌رفت و مورد حمایت کلیسا و آموزه‌های دینی مسیحی بود، سقط جنین عبارت از کشتن انسانی بی‌گناه است. کشتن بی‌گناهان نیز عملی به‌طور کامل، غیراخلاقی و ناپذیرفتنی است. طبق این رهیافت، جنین هیچ تفاوتی با انسان کامل ندارد. هر حقی را که برای انسانی دیگر مانند مادر قائل شویم همانند آن را باید برای جنین حتی جنین یک‌روزه قائل باشیم و حق حیات جنین از این دیدگاه در همه‌ی مراحل نمو، یکسان است. مدافعان این رهیافت طبق قیاس منطقی مقدماتی را آورده و استدلال می‌کنند: مقدمه اول: جنین انسان، انسانی بی‌گناه است. مقدمه دوم: کشتن انسان بی‌گناه خطا می‌باشد. نتیجه: پس کشتن جنین انسانی خطا می‌باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۴۹-۱۵۱).

۱.۲. رهیافت آزادی‌خواهانه

در برابر رهیافت محافظه‌کارانه برخی مدافع حق انتخاب بوده و از منظر آزادی‌خواهانه و به

حق سقط جنین می‌نگرند و دلیلی برای غیراخلاقی بودن آن نمی‌یابند. از این منظر زن آزاد است در هر زمان و به هر دلیل سقط جنین را انجام دهد و هیچ قانونی نباید مانع این اقدام شود بلکه تصمیم زن باردار به تنهایی کافی است مدافعان این نگرش برای توجیه اخلاقی دیدگاه خود مقدمه اول استدلال قبل را انکار می‌کنند. بر اساس این نظریه در استدلال رهیافت قبل جنین انسان، انسان محسوب می‌شود؛ اما آیا جنین انسان حقیقتاً همان انسان است؟ مهم‌ترین نکته درباره اخلاقی بودن یا نبودن سقط جنین پاسخ این پرسش است. اگر جنین غده‌ای زائد دانسته شود هیچ‌کس درباره مجاز بودن سقط جنین تردیدی نخواهد داشت و آن را عملی پیش‌پاافتاده خواهد دانست ولی اگر جنین یک انسان باشد آنگاه قتل نفس خواهد بود که دیدگاه سستی آن را انسان می‌شمرد. در این مورد دادگاه عالی کشور آمریکا در پرونده «رو» جنین طبق معنای عرفی و درک متعارف انسان محسوب اما از لحاظ حقوقی انسان کامل شمرده نمی‌شود و از حقوق انسانی کامل برخوردار نیست (همان). مدافعان این رهیافت که مدافعان سقط جنین هستند، تلاش‌های متعددی به عمل آورده‌اند تا نشان دهند جنین، انسانی بالفعل نیست و برای این امر مهم‌ترین کار نشان دادن ویژگی‌ها و ممیزات انسان بالفعل است و جنین این ویژگی‌ها و ممیزات را ندارد و انسان به حساب نمی‌آید. نویسنده‌ای به نام مری آن وارن در مقاله خود با عنوان «در باب وضعیت اخلاقی و حقوقی سقط جنین» به این مهم اشاره می‌دارد. از نظر او انسان دو معنا دارد که این دو معنا باید از هم جدا شوند. گاهی اوقات انسان به معنی تعلق به رده خاصی از موجودات می‌باشد که او را از دیگر موجودات متمایز می‌کند که مشخصه زیست‌شناختی انسان است؛ اما مشخصه دوم انسان، تعلق داشتن او به جامعه اخلاقی است. براساس استدلال وارن، کسانی که مخالف سقط جنین هستند، این دو مفهوم را با یکدیگر خلط کرده‌اند و آن‌ها را از هم متمایز نساخته‌اند. در استدلال آن‌ها، در مقدمه اول مشخصه زیست‌شناختی انسان به کاررفته است، اما در مقدمه دوم مشخصه دوم (جنین انسان، انسان است)، یعنی این جنین به رده زیست‌شناختی خاصی متعلق است. بدین ترتیب این جنین از جنین‌های دیگر موجودات متمایز می‌شود؛ اما هنگامی که طبق مقدمه دوم مخالفان سقط جنین

گفته می‌شود: کشتن انسان خطا است، مقصود از بین بردن عضوی از اعضای جامعه اخلاقی می‌باشد. حال ارتباط برقرار کردن از مشخصه اول به دوم امکان‌پذیر نیست. در نتیجه در اینجا یک مغالطه واضح مشاهده می‌شود. حال اعضای جامعه اخلاقی بیان‌شده، دارای چه خصوصیتی هستند؟ از دیدگاه وارن، حداقل پنج ویژگی مهم و اساسی آن‌ها را از جنین متمایز خواهد ساخت که این ویژگی‌ها به این شرح هستند: الف: هوشیاری ب: استدلال ج: فعالیت خودانگیخته د: قدرت ارتباطی ه: آگاهی به خود. به گفته وارن، هیچ‌کدام از این خصوصیات در مراحل اولیه جنینی وجود ندارند و برخی تا هنگام تولد نیز به وجود نمی‌آیند، پس نمی‌توان جنین را به معنای دوم انسان دانست و در نتیجه سقط و از بین بردن آن طبق این نظریه اخلاقاً مجاز بوده و غیراخلاقی نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ۱۴۹-۱۵۱). اگر این استدلال پذیرفته شود سقط جنین در تمامی مراحل بارداری حتی تا روزهای پایانی مجاز است و نمی‌توان از حق انسانی جنین برای زیستن و حیات، سخنی گفت و لذا نه مشابهت جنین به انسان نه امکان بالقوه انسان شدن آن، هیچ‌گونه بنیادی برای این استدلال که جنین دارای حق مهم حیات و زیستن است، فراهم نمی‌آورد.

۱.۳. رهیافت میانه‌رو

این دیدگاه باتوجه به بررسی دیدگاه وارن و بیان استدلال‌ها درباره رد آن، نظر خود را از رهیافت میانه‌رو اعلام می‌کند و بیان می‌دارد که با تمام تلاش‌های وارن، می‌توان در استدلال او خلل‌های جدی یافت و مهم‌ترین ایراد این است که با توجه به معیارهای مذکور نه تنها سقط جنین بلکه نوزاد کشی نیز مجاز است زیرا نه تنها جنین بلکه نوزادان و کودکان کم سن از آن ویژگی‌ها برخوردار نیستند و با نگاهی به فعالیت نوزاد یک‌روزه دریافت می‌شود جنین از این جهت به راحتی قابل تمایز نیست و نوزاد از عمده جهات به جنین کامل تقریبی شباهت دارد و با معیار وارن هیچ نوزادی توانایی استدلال، ارتباط با دیگران و درک روشن از خود را ندارد. لذا وارن راه را برای سقط جنین و نوزادکشی باز می‌کند و پس از وارد شدن انتقادات به او از این جهت، وارن استدلال می‌کند تنها انسان کامل با همان ویژگی‌های پنج‌گانه از حق حیات

برخوردار است و حق حیات نوزاد و جنین هر دو ساقط است و نوزاد کشی نیز مجاز است و دو پاسخ بیان می‌کند: ۱. حتی اگر والدینی خواهان نگهداری نوزادان نباشند افرادی دیگر وجود دارند که باکمال میل آن‌ها را به فرزندپذیری پذیرفته و بزرگ کنند لذا کشتن و ازبین بردن منابع طبیعی خطا است. ۲. برای مردم نوزاد ارزشی مانند جنین دارد لذا نمی‌توان ارزش ذاتی انسان را با جنین سنجید اما این پاسخ قانع‌کننده نبود و نتیجه‌ای در پی نداشت (اسلامی، ۱۳۸۴).

این تلاش نافرجام موجب ایجاد گروهی شد که به جای حکم به ارزش و یا بی‌ارزشی کامل؛ قائل به تفکیک شدند لذا رهیافت میانه‌رو بین مراحل مختلف شکل‌گیری جنین تفاوت قائل است و در موارد شکل نگرفتن کامل جنین سقط را مجاز و در مواردی که جنین به شکل انسان درآمده است آن را غیراخلاقی می‌داند. اما باید گفت سنت در کلیسا بر دفاع از حق حیات جنین استوار می‌باشد. پس این رهیافت بین مراحل بارداری تفاوت گذاشته و در مرحله‌ای سقط را مجاز و در مرحله‌ای دیگر ممنوع می‌داند اما آیا معیاری وجود دارد که گفته شود تا این مرحله جنین انسان و از آن به بعد انسان نیست؟ در گذشته غالباً این عقیده بوده است که تا قبل از ۴ ماهگی جنین روح ندارد و بعد از آن دارای روح است و از این جهت اکثر فقهای اهل سنت در این مرحله جنین را مانند جماد و سقط در این مرحله را مجاز می‌دانند اما این عقیده امروزه مورد قبول علوم زیستی نیست و سونوگرافی و آزمایشات نشان می‌دهد که جنین قبل از این زمان دارای جنبش و تپش قلب است. لذا بین دو دیدگاه مطلق‌نگر قبل که یکی جنین را انسانی کامل و دیگری که انسانیتی بر آن قایل نیست این رهیافت با ارایه برخی معیارها و تفکیک مراحل رشد در مواردی برای جنین ارزشی انسانی قایل و سقط جنین را غیراخلاقی و در مواردی دیگر آن را غیرانسان و سقط را مجاز می‌داند. اما این معیار که جنین تا این لحظه جماد و بعد از آن انسان است تابعال مشخص نشده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۱۵۲-۱۵۵).

فردی به نام جان نونان با دفاع از دیدگاه محافظه‌کارانه در مقاله - ارزشی تقریباً مطلق در تاریخ - بنیادی‌ترین سؤال درباره تفکر در باب سقط جنین را تعریف انسانیت یک موجود می‌داند و معیارهای تفکیک جنین از انسان را قطعی نمی‌داند و تنها معیار انسان‌بودن یک موجود

را داشتن کدهای ژنتیکی انسانی می‌داند لذا جنین از زمان انعقاد نطفه انسان است و کاهش شان انسانی جنین در هر مرحله از بارداری نادرست و غیراخلاقی است (همان).

۱.۴. رهیافت زن‌گرایانه

رهیافت زن‌گرایانه متفاوت با رهیافت آزادی‌خواهانه اما نزدیک به آن است و آزادی مطلق سقط جنین به عنوان شعار زن‌گراها تلقی می‌شود و ممکن است نتایج این دو رهیافت یکی باشد اما خواستگاه نظری متفاوتی دارند. زن‌گراها معتقد به حاشیه رفتن مادر و در مرکز مباحث قرار گرفتن جنین هستند. رهیافت اول قایل به انسان بودن جنین و رهیافت دوم قایل به انسان نبودن آن و رهیافت سوم قایل به تفکیک بود و در هیچکدام سخنی از موقعیت انسانی و اخلاقی مادر نبوده است. البته در موارد بیماری مادر و یا موارد خاصی دیگر هر سه دیدگاه سقط جنین را مجاز می‌دانند. لذا مرکز اصلی رهیافت زن‌گرایانه مادر بوده و باید وضعیت اخلاقی و انسانی مادر مدنظر و مرکز ثقل قرار گیرد نه جنین زیرا ۱. بارداری اتفاقی است که برای مادر افتاده و اوست که باید بدنش را در اختیار فردی که شاید ناخواسته و یا وجودش رنج آور بوده قرار دهد. ۲. مهمترین اتفاق برای زن بارداری است. ۲. بارداری باعث تغییرات روحی، اجتماعی، بدنی و اقتصادی برای زن می‌شود. سوزان شروین در مقاله «سقط جنین از منظر لنز اخلاق زن‌گرایانه» به این رهیافت پرداخته و مادر را مرکز ثقل قرار داده و بحثی از جایگاه اخلاقی جنین نمی‌کند که سقط آن مجاز یا غیر مجاز است. این نویسنده قائل به ارزش تبعی یا درجه دوم برای جنین است و تنها مادر را داور در اخلاقی بودن و یا نبودن سقط می‌داند به این دلیل که سرنوشتش با جنینی که قرار است به دنیا آید عجین شده است و بدون توجه به مادر نمی‌توان از هیچ قاعده مطلقی سخن گفت و او تصمیم‌گیرنده نهایی در مورد سقط و یا عدم سقط است. اما ایراد این دیدگاه این است که اخلاق زمانی شکل می‌گیرد که بشود از قاعده کلی سخن گفت، حال اگر مادر در تصمیم‌گیری مستقل باشد بدون قاعده و اصل و تصمیم زنی که سقط می‌کند، مانند زنی که سقط نمی‌کند اخلاقی باشد؛ دیگر اخلاق معنایی نداشته و انکار عینیت در تصمیم‌گیری‌های اخلاقی است (اسلامی، ۱۳۸۴).

۲. تحلیل ماهیت جنین در خارج از رحم طبیعی (مانند رحم مصنوعی)

پس از بررسی نظرات مخالف، موافق و میانه در رابطه با سقط جنین (به دلیل ارتباط آن با اتلاف جنین‌های فریز شده)، برای ورود به بحث اصلی یعنی اتلاف و از بین بردن نطفه‌ای که در غیر رحم منعقد شده است مانند جنین فریز شده، باید قبل از آن مقدماتی را مانند اسقاط نطفه و عزل و ادله جواز و حرمت آن و از بین بردن نطفه قبل از این که منعقد شود و حرمت از بین بردن نطفه بعد از انعقاد آن، بررسی شود تا بحث اصلی یعنی از بین بردن نطفه منعقد شده در خارج از رحم، تبیین شود که در این شق چطور باید به حکم دست یافت و در آخر با توجه به معنای سقط جنین و رهیافت‌ها و نظرات مختلف در مورد آن و تحلیل جنین در خارج از رحم طبیعی مانند جنین فریز شده، نظر نگارنده نیز در مورد وحدت ملاک معدوم کردن جنین فریز شده با سقط جنین تبیین خواهد شد.

۲.۱. اسقاط نطفه و حکم مسأله عزل

جایز نیست مادر حملی را که در شکم دارد در حال اختیار از بین ببرد، حتی اگر نطفه‌ای باشد که منعقد شده است. اما مرد می‌تواند عزل کند و زن نیز می‌تواند قبل از آن که نطفه در رحم او منعقد شود، منی را از بین ببرد. حکم جایز بودن عزل یا همان ریختن منی خارج از رحم میان فقها مشهور است و در کتاب *جواهر الکلام* نسبت به آن ادعای شهرت منقول و محصل شده است. اما برخی فقها مانند مرحوم شیخ صدوق و مرحوم شیخ طوسی و عده‌ای دیگر قائل به حرمت آن شده‌اند و مرحوم شیخ طوسی نسبت به آن ادعای اجماع کرده‌اند. باید به این نکته اشاره کرد که محل بحث جایی است که زن ازدواج دائم کرده و حرّ می‌باشد؛ اما در مورد کنیز و یا زنی که ازدواج موقت کرده است، همه فقها قائل به جواز عزل هستند. در این حالت، اختلافی وجود ندارد. علاوه بر آن محل بحث جایی است که زن به شوهر خویش اجازه عزل نداده و شرط عزل هم بر علیه زن وجود ندارد، اما در صورتی که از زن اجازه گرفته شده باشد یا بر او شرط شود، همه فقها بر جواز عزل کردن اتفاق نظر دارند. در هر صورت ادله‌ای که برای حرمت عزل بیان شده است در برابر روایاتی که تصریح به جواز دارند، قابل اعتماد نیستند، بلکه

در دلالت خود آن ادله نیز اشکال وجود دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۰).

۲.۲. ادله جواز عزل

برای جایز بودن عزل ادله متعددی با دلالت روشن ذکر شده است که برای عدم اطاله کلام تنها به صحیحی ابن مسلم از امام باقر (ع) اشاره می‌شود که نقل شده است: هرگاه شوهر زنی که حرّ است بخواهد منی خود را از او عزل کند، اشکالی ندارد و اگر زن کراهت داشته باشد، زن اختیاری در این مورد ندارد (حر عاملی، ۱۴۱۶هـ، ص ۱۰۵).

۲.۳. ادله حرمت عزل

برای حرمت عزل، به روایت منسوب به پیامبر اکرم (ص) که حضرت از این که بدون اجازه زن حرّ، عزل انجام شود نهی کرده‌اند، استدلال شده است. در روایت نبوی دیگری حضرت این موضوع (عزل) را زنده به گور کردن پنهان دانسته‌اند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ص ۲۳۳)؛ همچنین علاوه بر آن به روایتی استدلال شده که در آن در مورد کسی که شخصی را در حال هم‌بستر شدن بترساند و او به خاطر ترس عزل کرد، حکم به وجوب پرداخت دیه شده است (حر عاملی، ۱۴۱۶هـ، ص ۱۰۵). اما استدلال مهم دیگر برای حرمت عزل این است که این عمل موجب نقض یکی از اغراض از نکاح که ولادت طفل است می‌شود. لذا می‌توان گفت این نقض غرض یعنی ولادت طفل از ملاک‌های مشترک دیگر بین معدوم کردن جنین فریز شده و سقط جنین نیز به حساب خواهد آمد.

۲.۴. از بین بردن نطفه قبل از انعقاد

از بین بردن و اسقاط نطفه قبل از منعقد شدن آن جایز می‌باشد (اگر در این مرحله اسقاط صدق کند)، از این رو اشکالی ندارد، زن دارویی بخورد که نطفه در رحم او منعقد نشود. یا نطفه را قبل از منعقد شدن از رحم خود بیرون بریزد. حال چون دلیل بر منع وجود ندارد، برای اثبات جایز بودن آن، تمسک به اصل جواز کفایت می‌کند و روایاتی که در آن‌ها نهی وجود دارد ظهور دارند. در کتاب *جواهر الکلام* مرحوم نجفی این‌طور آمده است که «عدم اقرار النطفه فی رحمها بعد فراغه، فقد یقوی عدم الحرمة علیها فی ذلک؛ للاصل و غیره»؛ به این معنا که هرگاه بعد از ریختن منی در رحم زن، زن مانع از انعقاد نطفه شود؛ به احتمال قوی این کار برای او حرمتی

ندارد و دلیل برای مطلب، اصل عملی و غیر آن می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴هـ، ص ۱۱۵). اما بعد از انعقاد نطفه، ظاهر این است که از بین بردن آن، حتی قبل از دمیده شدن روح در آن حرام می‌باشد گرچه مقتضای اصل در صورت فقدان نصّ جواز آن است، زیرا بر این کار قتل صدق نمی‌کند (البته بعد از دمیده شدن روح در جنین، از بین بردن آن، قتل به حساب می‌آید) و باید گفت این بحث درجایی است که خود مادر اقدام به از بین بردن حملش بکند اما اگر دیگران اقدام به آن کنند شکی در حرمت آن نیست (جمعی از نویسندگان، ۱ ص ۳۸۸، ۳۹۳).

۲.۵. ادله حرمت از بین بردن نطفه بعد از انعقاد آن

فایده این بحث در مبحث اتلاف جنین فریز شده است که به‌عنوان یک نطفه منعقدشده محسوب می‌شود و با سقط جنین تشابه پیدا می‌کند. اما ادله حرمت از بین بردن نطفه بعد از منعقد شدن آن دو روایت است ۱. موثقه اسحاق بن عمار ۲. معتبره رفاعه.

۱. در موثقه اسحاق بن عمار آمده است: به امام رضا (ع) گفتم: زنی از بارداری می‌ترسد آیا جایز است دارویی بخورد و در اثر آن، آنچه در شکم دارد سقط کند؟ فرمودند: نه، گفتم: او نطفه‌ای بیش نیست. فرمودند: ابتدای خلقت و آفرینش انسان، نطفه است (حر عاملی، ۱۴۱۶هـ ق، ص ۱۵).

ظاهر روایت فوق این است که در هنگام احتمال وجود حمل، داروی نابودکننده را خورده است (منظور، نطفه منعقدشده است نه نطفه به معنی سلول جنسی مرد). از این رو روایت دلالت بر وجوب احتیاط، هنگام احتمال وجود حمل می‌کند و بدین جهت اصل برائت جاری نمی‌شود. به همین دلیل، ممکن است عملی که احتمال دارد موجب کشتن کسی شود جایز نباشد؛ مثل اینکه تیری پرتاب کند درحالی که احتمال می‌دهد به انسانی برخورد کند و موجب مرگ او شود.

۲. در معتبره رفاعه آمده است: به امام صادق (ع) گفتم: کنیزی خریده‌ام. عادت ماهانه او به جهت فساد خون یا بادی در رحم، قطع شده است. برای آن دارویی می‌خورد که در همان روز حیض ببیند. آیا چنین کاری جایز است درحالی که نمی‌دانم قطع شدن حیض او به جهت بارداری بوده یا چیز دیگر؟ حضرت فرمودند چنین کاری نکن. گفتم یک ماه است که حیض او قطع شده است و بفرض هم به جهت وجود حمل باشد، نطفه‌ای است همانند نطفه مردی

که عزل می‌کند. حضرت فرمودند نطفه (منی مرد) هرگاه که در رحم قرار می‌گیرد به علقه و سپس به مضغه... تبدیل می‌شود تا آنجا که خدا بخواهد و اگر نطفه (منی مرد) در غیر رحم قرار گیرد چیزی از آن به وجود نمی‌آید. لذا هرگاه یک ماه عادت ماهانه او قطع شد و زمانی که او در آن حیض می‌دید گذشت، دارویی به او نده. حال در مورد تعلیلی که در روایت در مورد فرق میان عزل و از بین بردن نطفه آمده است این طور اقتضا می‌کند که حرمت اتلاف و از بین بردن نطفه مخصوص جایی است که نطفه مرتبه‌ای از قابلیت انسان شدن را طی کرده باشد که قبل از منعقد شدن نطفه (امتزاج سلول جنسی مرد و زن و منعقد شدن نطفه متشکل از آن دو) این مرتبه وجود ندارد، زیرا وقتی اسپرم مرد در رحم با تخمک زن ترکیب و منعقد شد، آن‌گاه قابلیت لازم برای تبدیل به یک انسان را پیدا می‌کند، ولی قبل از آن چنین قابلیت وجود ندارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۴). همچنین زمانی که نطفه منعقد و ممتزج شده چه بسا در خارج رحم باشد مانند جنین فریز شده باز هم قابلیت برای تبدیل به یک انسان را دارد و بر اساس این ملاک، از بین بردن آن مانند سقط جنین در رحم طبیعی خواهد بود.

لذا کاملاً واضح است که حرمت اتلاف و از بین بردن نطفه این است که آن نطفه حداقل مرتبه‌ی انسان شدن را داشته باشد که این امر بعد از انعقاد نطفه یعنی امتزاج دو سلول جنسی رخ می‌دهد حال امر شایع آن، انعقاد و تشکیل در رحم زن است تا قابلیت برای انسان شدن داشته باشد؛ لذا جنین فریز شده که در محیط خارج از رحم طبیعی منعقد شده است و از دو سلول جنسی مرد و زن ممتزج شده است، مرتبه وجودی پیدا کرده و در واقع مرتبه‌ای از قابلیت انسان شدن را طی کرده است؛ بنابراین، این قابلیت را دارد که به یک انسان کامل تبدیل شود؛ زیرا ابتدایی‌ترین مرحله تشکیل یک موجود را طی کرده است که همان نطفه منعقد شده می‌باشد. حال بعد از اینکه از حالت فریز درآمد می‌تواند مراحل بعدی را در رحم طبیعی و یا مصنوعی طی کند که مطلب بعد مؤید این مطلب می‌باشد.

۲.۶. حرمت اتلاف نطفه منعقد در غیر رحم (مانند جنین فریز شده)

بر اساس تعلیلی که در دو روایت مبحث قبل آمده می‌توان حکم آن را به رحم مصنوعی نیز سرایت داد که در آن اسپرم با تخمکی که از زن گرفته شده است ترکیب می‌شود. زیرا اسپرم بعد

از تلقیح با تخمک در لوله آزمایشگاه دارای همان قابلیت است که اسپرم بعد از انعقاد در رحم دارد. از این رو از بین بردن نطفه منعقدشده در لوله‌های آزمایشگاهی جایز نمی‌باشد همان‌طور که در رحم طبیعی جایز نبود.

ممکن است به دلالت تعلیل روایت فوق این‌گونه اشکال شود که آن تعلیل برای حرمت از بین بردن نطفه در رحم است، اگرچه با خوردن دارو نباشد و شامل از بین بردن نطفه در غیر رحم نمی‌شود. همانند آنچه در مورد تعلیلی که برای طهارت چاه بعد از نجاست، با آب کشیدن گفته شده که آب چاه دارای ماده است. قدر متیقن از این تعلیل این است که ماده داشتن چاه، وقتی علت برای طهارت آن است که همراه با مخلوط شدن و ترکیب با آن باشد؛ لذا به مقتضای تعلیل نمی‌توان حکم به طهارت چاهی کرد که مقداری از آب آن برداشته شده، بدون این که آب آن مخلوط شود. بر این اساس و با توجه به تعلیل حکم به طهارت آب به صرف اتصال آن به آب دارای ماده بدون این که ترکیب و مخلوط شوند مشکل است. اما باید گفت این اشکال مردود است به دلیل آن که تعلیل‌ها، بر طبق مفهومی که از آن‌ها به حسب مناسبات عرفی فهمیده می‌شود، معنا می‌شوند تا بتوانند علت و مقرب حکم باشند. در غیر این صورت حمل این تعلیل‌ها بر امور تعبّدی، مناسب مقام تعلیل و استدلال نیست. لذا از موثقه اسحاق برداشت می‌شود که تنها علتی که موجب حرمت از بین بردن نطفه می‌باشد، این است که نطفه منعقدشده منشأ و مبدأ آفرینش انسان است. در این صورت فرقی نمی‌کند که نطفه در رحم و یا غیر آن باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸، ص ۳۹۵). حال معانی و اقسام حمل و همچنین نظر فقها در مورد از بین بردن جنین فریز شده بیان خواهد شد و در انتها به ارزش انسانی بودن نطفه جنین فریز شده در هر مکانی که منعقد شود خواه داخل و یا خارج از رحم باشد پرداخته خواهد شد.

۳. معنای حمل و مراحل مختلف آن

واژه حبل به معنی حمل و به زن حامله حیلی گفته شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۵۷-۲۵۸). چنان‌که در روایات زیادی از حامل به حیلی تعبیر شده است. مفهوم حمل مفهومی عربی می‌باشد و جمع آن، احمال و حمال است و در قرآن مجید آیه ۴ سوره مبارکه

طلاق بیان شده است: «وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجْلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ»: که بیان می‌دارد عده صاحبان حمل با وضع حمل‌هایشان سپری می‌شود. همچنین راغب اصفهانی می‌گوید: حمل یک معنی دارد و در موارد زیادی به کار می‌رود، زیرا برداشتن چیزی با دست و یا به دوش گرفتن آن و همچنین حمل جنین، همه در یک معنی استعمال شده است (قبله‌ای خوبی، ۱۳۹۳، ص ۳-۴). نکته مهم دیگر مراحل مختلف حمل است که این مراحل در قرآن کریم بیان شده و شامل نطفه، علقه، مضغه، عظام، پوشیده شدن استخوان با گوشت و خلقت مبین می‌باشد که منظور از خلقت مبین در آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه مؤمنون بیان شده است: «ثم انشأنا خلقا آخر»، یعنی خلقتی مبین خلقت‌های قبل به وجود آوردیم (قبله‌ای خوبی، ۱۳۹۳، ص ۵).

حال نکته دارای اهمیت این است که امروزه تمامی حمل‌ها به‌طور طبیعی اتفاق نمی‌افتد و رحم مصنوعی نیز جنین را درون خود رشد می‌دهد که در اینجا با چند سؤال برای اثبات مطالبمان روبه‌رو خواهیم شد: آیا نطفه که یکی از مراحل تشکیل یک جنین و هویت انسانی و انسانی بالفعل در آینده است، حتماً باید در رحم طبیعی باشد تا حمل محسوب شود؟ آیا موجوداتی که در خارج از رحم هستند و هویت انسانی دارند به آن‌ها نطفه یک انسان و یا جنین یک انسان گفته نمی‌شود؟ پاسخ روشن است که امروزه رحم تنها رحم طبیعی نمی‌باشد و نطفه هم تنها نطفه در رحم طبیعی و یا در مکان عادی معمول نیست بلکه یک نطفه انسانی، همیشه و در هر حالی نطفه انسان است و هیچ تفاوتی با نطفه درون رحم ندارد و چه بسا جنین فریز شده به‌عنوان یک نطفه در آینده درون رحم و یا خارج از رحم جای گیرد و تکامل پیدا کند. بنابراین نطفه انسان در هر شرایطی اولین مرحله وجودی و تشکیل ذات و هویت انسانی را پیموده است چه این نطفه درون رحم باشد و یا خارج رحم و به‌طور فریز شده و تمامی مراحل بیان‌شده مراحل حمل است که نطفه جزئی از آن می‌باشد و همه احکام حمل، بر جمیع این مراحل جاری است اما برای موجود خارج رحم قانون و حکمی وضع نشده است و بحث ما تنها از نظر علمی و استدلال در این مبحث می‌باشد؛ به‌عنوان مثال در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی، اسقاط نطفه در رحم طبیعی دارای دیه است البته دیه قبل از ولوج روح با بعد از ولوج

روح متفاوت است؛ اما برای اسقاط نطفه آزمایشگاهی (مانند جنین فریز شده) دیه‌ای تعیین نشده است البته برخی فقها، به بیان پذیرش دیه در این قسم و نوعی از جنین به‌عنوان جنین آزمایشگاهی اظهار نظر کرده‌اند که برخی از این نظرات بیان می‌گردد.

۴. نظر فقها در مورد معدوم کردن جنین فریز شده

با تحقیق و بررسی استفتائات برخی علما و صاحب‌نظران، در مورد مسأله اتلاف و دور انداختن نطفه بارور شده در محیط خارج رحمی و یا همان محیط آزمایشگاهی مانند جنین فریز شده، برخی از علما قائل به عدم جواز آن شده‌اند و در منابع مربوطه به این بحث، هرچند سؤالات و جواب‌ها در مورد اتلاف نطفه رشد یافته آزمایشگاهی بیان شده است؛ اما با توجه به جواب‌ها کاملاً مشخص است منظور از نطفه رشد یافته، نطفه‌ای با رشد کامل نیست بلکه نطفه‌ای است که در مسیر رشد و تکامل قرار دارد. حال از علمایی که قائل به عدم جواز اتلاف نطفه آزمایشگاهی و خارج رحمی شده‌اند می‌توان از حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی نام برد که در مورد این موضوع سؤال‌هایی از ایشان پرسیده شده است.

سؤال اول: اطباء در آزمایشگاهی منی مرد (اسپرم) را با منی زن (اوول) در لوله آزمایش قرار داده و آن را رشد می‌دهند؛ بفرمایید: آیا این نطفه رشد یافته را می‌توان دور انداخت یا این که حکم سقط جنین را پیدا می‌کند و باید تا طفل کامل صاحب روح می‌شود از وی محافظت کرد؟
جواب: جواز اتلاف و دور انداختن آن مورد اشکال است و احتیاط به حفظ آن تا رشد کامل ترک نشود. بلی وجوب محافظت از آن نیز محل تأمل است. سؤال دوم: اگر اتلاف و دور انداختن آن جایز نباشد آیا باید دیه سقط جنین را پرداخت و در صورتی که باید پرداخت شود این پرداخت دیه به عهده کیست؟ جواب: بلی احکام دیه بر آن مترتب می‌شود، بنابر همان احتیاط واجب و دیه آن بر عهده کسی است که مباشرت در اتلاف آن داشته است. سؤال سوم: آیا دور اندازی آن در زمان قبل از ولوج روح یا بعد از ولوج روح فرق دارد لطفاً بیان نمایید؟
جواب: بلی فرق دارد و همان فرقی که اسقاط جنین با اسقاط نطفه در موارد دیگر دارد. سؤال چهارم: اگر منی مرد و زن اجنبی و اجنبیه باشد، اصل انجام این عمل جایز است یا خیر؟
جواب: اصل جواز قرار دادن منی مرد اجنبی و زن اجنبیه برای لقاح و رشد محل اشکال است.

هرچند توقف بر معصیت دیگر نداشته باشد ولی بعد از انعقاد جنین حکم همان است که در بند یک جواب داده شد (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ص ۶۳-۶۴).

همچنین از نظر برخی دیگر از فقهای امامیه، سلب حیات از جنین‌های آزمایشگاهی از لحظه لقاح بین اسپرم و تخمک در لوله آزمایشگاه، در حکم سقط جنین بوده و مستلزم پرداخت دیه است (جناتی، ۱۳۸۲، ج ۲، ۲۳۸) از این منظر، حیات یک ارگانیزم انسانی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی باشد، دارای ارزش ذاتی، در هر مرحله‌ای که از مراحل تکوینی باشد، دارای ارزش ذاتی است، هرچند این ارگانیزم، تکامل نیافته باشد، زیرا آغازی است برای انسان شدن (جوهری، ۱۳۸۵). در حقیقت، نقض مبدأ آفرینش انسان، عنوانی است که بر از بین بردن جنین‌های تشکیل شده در خارج از رحم نیز صدق می‌کند، چراکه این جنین‌ها از همان قابلیت برخوردار هستند که جنین‌های تشکیل شده در داخل رحم از آن برخوردارند. از این رو این موجود دارای کرامت ذاتی است و هر اقدامی که از رشد و رسیدن آن به مرحله انسان کامل جلوگیری کند جایز نیست. براساس نگرش فوق، ملاک در حرمت اتلاف جنین‌های آزمایشگاهی، قابلیت و شایسته انسان شدن آن چیزی است که اگر شرایط برای تکاملش (رشد و نمو) فراهم شود، می‌تواند تبدیل به انسان شود، لذا موجود انسانی از همان لحظه‌ای که ایجاد شده، باید محترم دانسته شود و همه حقوق انسانی‌اش از جمله حق حیاتش رعایت شود (احمدی، ۱۳۸۶). غرض آن‌که اتلاف جنین‌های انسانی تشکیل شده در محیط آزمایشگاهی، از آن جهت که سبب جلوگیری از به فعلیت رسیدن انسانی است که قابلیت انسان شدن را دارد، کاری حرام است. همچنین از آنجا که نطفه منشا تکون انسان است و بی‌مبالاتی در حفظ آن جایز نیست، رعایت احتیاط و دوری کردن از موارد مشکوک الحرمه در این مورد جاری است؛ بنابراین باید اصله الاحتیاط را اجرا کرد و به عدم جواز حکم کرد (حسینی روحانی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۱۰).

۵. برخورداری جنین فریز شده از حق تمتع و سرایت حمل بر جنین فریز شده

اولاً: می‌توان گفت درست است که عرفاً حمل به جنین و نطفه داخل رحم گفته می‌شود ولی با در نظر گرفتن روح (شمول) قوانین و مقررات به‌خوبی می‌توان این موضوع را دریافت که منظور و مقصود قانون‌گذار از بیان این موضوع، شناخت حقوق مزبور برای نطفه ترکیب شده

و امتزاج یافته از اسپرم و تخمک، به‌عنوان یک انسان بالقوه می‌باشد و این موضوع اعم از آن است که ترکیب و تشکیل این نطفه در داخل یا خارج رحم باشد و آنچه موضوع اصلی حکم در مقررات مربوط به حمل است، همان مسأله انسان بالقوه بودن می‌باشد حتی اگر در مرحله تکامل و شکل‌گیری در خارج رحم قرار داشته باشد (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰-۱۷۱). ثانیاً: تکامل و شکل‌گیری اولیه جنین، در داخل رحم تفاوت منطقی و شرعی با جنین خارج رحمی ندارد که ابتدای پیدایش حق تمتع جنین از حقوق مدنی مانند حق حیات را از هنگام انتقال به رحم قرار دهیم و حقوق بیان‌شده را منحصر به جنینی بدانیم که در رحم مستقر شده است. این مطلب در منبع مورد ذکر در خصوص کودکی که در آزمایشگاه رشدنموده و به دنیا می‌آید، این‌گونه بیان شده است «بنابراین ذکر عنوان حمل از جهت موارد عادی و طبیعی است که در آن تکون و شکل طفل از ابتدا در داخل رحم آغاز می‌گردد، بدین جهت موارد مذکور در بالا بدون تردید نسبت به کودک آزمایشگاهی در دوران خارج از رحم نیز شمول خواهد داشت» (شهیدی، ۱۳۷۵، ص ۱۷۰). لذا جنین فریز شده که در مرحله‌ای از رشد کودک آزمایشگاهی است، پس از حقوق مدنی و حق حیات از زمان منعقد شدن نطفه برخوردار می‌باشد و تفاوتی نمی‌کند که این حمل در داخل رحم یا خارج رحم صورت پذیرد. این ترکیب شدن و اختلاط در محیط خارج رحم یا همان آزمایشگاه و به کمک ابزار و ادوات پزشکی به‌طور دقیق قابل‌تعیین و تشخیص است و اثبات ابتدا و آغاز شکل‌گیری جنین به‌راحتی انجام خواهد گرفت و در داخل رحم نیز این امر به مدت کمی بعد از ورود اسپرم به داخل رحم و مجاورت با تخمک حاصل می‌شود پس زمانی که اسپرم و تخمک در مجاورت با هم قرار دارند ولی هنوز ترکیب نشده‌اند و عمل تلقیح مصنوعی انجام نشده است و یا قبل از آن در هنگامی که اسپرم و تخمک جداگانه نگهداری می‌شوند برخوردار و حق تمتع از حقوق مدنی موجود نمی‌گردد (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۳۷۵)؛ بنابراین شرط برخورداری از حقوق تمتع جنین فریز شده، انعقاد نطفه چه در داخل و خارج رحم و زنده متولد شدن است حال چه از رحم طبیعی و چه از رحم مصنوعی، جنینی زنده متولد شود حتی اگر فوراً بعد از زنده متولد شدن فوت کند.

۶. حمایت قانون‌گذار از نطفه منعقد شده در داخل یا خارج رحم - حمل محسوب شدن

نطفه منعقد

موضوع اصلی در مقررات مربوط به جنین، همان انسان بالقوه است؛ اگرچه در هر مرحله از تکامل در خارج از رحم قرار داشته باشد. زیرا همان‌طور که بیان گردید (رعایت حرمت برای جنین تکامل یافته در داخل و خارج رحم یکسان است) تکامل در داخل رحم دارای خصوصیتی نمی‌باشد که بخواهد حقوق بیان شده به جنینی که در رحم استقرار یافته است منحصر شود. علاوه بر آن، این امر بعید نیست که با توجه به این‌که ملاک اصلی در حرمت سقط جنین از بین بردن چیزی است که عادتاً در آینده می‌توانسته یک انسان بالفعل باشد پس با توجه به این ملاک می‌توان گفت، این ملاک در رابطه با اتلاف نطفه‌ی بارور شده در خارج از رحم نیز وجود دارد، که بتوان با استفاده از وحدت ملاک، حکم مقررات مربوط به سقط جنین را به مورد اخیر نیز سرایت داد. اما باید به این مسأله توجه داشت که از نظر کیفری نمی‌توان مجازات سقط جنین را در مورد اتلاف نطفه بارور شده موجود در خارج از رحم به وحدت ملاک اعمال کرد. زیرا، با توجه به منع کاربرد قیاس در امور جزایی ایران، معدوم کردن جنین فریز شده جرم شناخته نشده و مجازاتی برای آن در نظر گرفته نشده است و همین‌طور به موجب اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری به نفع متهم، نمی‌توان اتلاف نطفه موجود در لوله‌ی آزمایشگاه را به سقط جنین تشبیه کرد و آن را از جهت مجازات و جرم بودن، جرم تلقی کرد و سپس مجازات سقط جنین را در مورد آن به وحدت ملاک اعمال کرد (نایب زاده، ۱۳۸۰، ۳۸۰).

لذا جنین داخل یا خارج رحمی هر دو بالقوه انسان هستند و پتانسیل انسان شدن را دارند و جنین فریز شده به‌عنوان یک جنین و موجود خارج رحمی مانند جنین در داخل رحم می‌باشد و اتلاف آن مانند جنین داخل رحمی جایز نمی‌باشد؛ زیرا انسان است و نبود مجازات برای اتلاف آن در حال حاضر شاید نوعی نقص در قانون محسوب می‌شود ولی به دلیل وجود این کاستی نمی‌توان آن را از اصل حیات و از اصل انسان بودن بالقوه نفی کرد؛ بنابراین اتلاف آن در حال حاضر مجازاتی ندارد اما با توجه به اصل قضیه و استدلال انسان بودن بالقوه، اتلاف جنین فریز شده به‌عنوان موجود خارج رحمی از نظر اخلاق و اصل فلسفه وجود انسانی و خلق

این وجود، جایز نیست اما نمی‌توان آن را با توجه به استدلالات بیان شده و مقررات کیفری موجود، جرم دانست.

یافته‌های پژوهش

در مورد ارتباط از بین بردن جنین فریز شده به‌عنوان نطفه‌ای که در خارج از رحم به وجود آمده است با مبحث سقط جنین می‌توان گفت، بین از بین بردن جنین در داخل رحم یا سقط جنین به معنایی در قانون موجود است (به‌عنوان مثال در ماده ۸۵۲ قانون مدنی که در خصوص سقط جنین بیان شده است که: اگر حمل در نتیجه جرمی سقط شود، موصی به، به ورثه او می‌رسد) و از بین بردن و یا اتلاف جنین‌های فریز شده به‌عنوان قسمی از جنین‌هایی که در محیط آزمایشگاه و یا خارج رحم به وجود آمده‌اند یا به‌عبارت‌دیگر جنین‌های فریز شده قبل از انتقال به هرگونه رحم، وحدت ملاک فقهی، حقوقی و اخلاقی وجود دارد. از این جهت که ملاک در سقط جنین از بین بردن چیزی است که به گونه‌ی معمولی در آینده انسان شود و در واقع انسان بالقوه است و این ملاک هم در خصوص اتلاف جنین‌ها قبل از انتقال به رحم نیز وجود دارد (اسدی نژاد و تقوی، ۱۳۹۵، ص ۴۴) و حقوقی مانند حق حیات شامل هر دو خواهد بود و برخی فقیهان نیز از بین بردن جنین فریز شده را مانند سقط جنین دانسته‌اند و کرامت انسانی نیز در هر انسان بالقوه‌ای موجود است، لذا از این جهت جنبه اخلاقی یکسانی برای جنین به‌طور کلی به حساب خواهد آمد؛ اما اتلاف جنین‌ها قبل از انتقال به رحم، تا به‌حال در قانون جرم‌انگاری نشده و مجازاتی برای آن تعیین نشده است و از نظر کیفری فقط از بین بردن جنین داخل رحم طبیعی، سقط محسوب می‌شود؛ اما با استدلال ما در خصوص وحدت ملاک از بین بردن جنین داخل رحم و نطفه تشکیل شده در خارج از رحم یا همان جنین فریز شده قبل از انتقال به رحم و همچنین وجود رحم طبیعی و مصنوعی در جوامع امروزی می‌توان سقط جنین را از ابتدا از نظر مفهومی و تحلیلی به جنین‌های تشکیل شده در خارج از رحم قبل از انتقال به رحم مانند جنین فریز شده، سرایت داد تا در آینده این قسم نیز مشمول جرم‌انگاری و کیفر انگاری شود.

منابع

القرآن الکریم

- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- احمدی، امیر علی (۱۳۸۶). *بررسی جنبه های اجتماعی تحقیقات شبیه سازی و سلولهای بنیادی*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- آخوندی، محمدمهدی، زهره بهجتی اردکانی، سهیلا عارفی، هومن صدری اردکانی، محمود اعرابی، امیرحسین زرنانی، لیلی چمنی تبریز، و امید شبستری (۱۳۸۶). «آشنایی با لقاح طبیعی، لقاح خارج رحمی و ضرورت استفاده از گامت جایگزین در درمان ناباروری». *نشریه پایش*، ۴(۶): ۳۰۷-۳۲۱.
- اسدی نژاد، سید محمد، و نازیلا تقوی (۱۳۹۵). *بررسی فقهی، حقوقی، و اخلاقی قرارداد انجماد جنین و گامت در حقوق ایران با نگاهی به حقوق برخی از کشورها*. تهران: مجد.
- اسلامی، سید حسن (۱۳۸۴). «رهیافت‌های اخلاقی به سقط جنین؛ یک بررسی موردی». *نشریه باروری و ناباروری* ۴(۶): ۳۲۱-۳۴۲.
- إفريقي المصري، محمد ابن منظور (۱۹۹۷م). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر
- باقری نسب، تکتم. ۱۳۹۱. *رحم جایگزین در درمان ناباروری از دیدگاه پزشکی، فقهی و حقوقی*. تهران: جاودانه، جنگل.
- تقوی، نازیلا، محمد اسدی نژاد، رضا عمانی سامانی، و عبدالله رستمی (۱۳۹۴). «ملاحظات حقوقی و اخلاقی پیرامون حفظ باروری». *مجله پزشکی قانونی*، ۲۱(۳)، ص ۲۲۶-۲۱۵.
- تقوی، نازیلا، محمد اسدی نژاد، رضا عمانی سامانی، و عبدالله رستمی (۱۳۹۴). «تعیین نوع رابطه موجود بین جنین‌های آزمایشگاهی و زوجین و تعیین صاحب‌اختیار آنان». *نشریه زنان، مائمی و نازائی*، ۱۸(۱۵۱)، ص ۲۰-۳۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ترمینولوژی حقوق*. تهران: کتابخانه گنج دانش
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۰). *تحقیق در دو نظام حقوق بشر از دیدگاه اسلام و غرب*. تهران: دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). *سقط جنین*. تهران: سمت
- جناتی، محمدابراهیم (۱۳۸۲). *رساله توضیح المسائل، استفتانات*. قم: انتشارات انصاریان
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). *فلسفه حقوق بشر*. قم: اسراء.
- جوهری، حسن (۱۳۸۵). «تقسیم جنینی و شبیه‌سازی». *مجله کاوشی نو در فقه اسلامی*، ۱۳(۴۷)، ص ۸۱-۱۰۸.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶هـ). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: موسسه آل‌البیت(ع).
- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴هـ). *المسائل المستحدثه*. قم: دار الکتاب.

خلف احمد، محمد، عبدالحلیم منتصر، ابراهیم انیس، و عطیه صوالحی (بی‌تا). فرهنگ المعجم الوسیط. تهران: ناصر خسرو.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغت‌نامه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین ابن محمد (۱۴۱۲هـ). مفردات الفاظ قرآن. لبنان - سوریه: دارالعلم - دارالشامیه.

شهیدی، مهدی (۱۳۷۵). مجموعه مقالات حقوقی. تهران: نشر حقوقدان.

صاحب بن عباد، اسماعیل (۱۴۱۴هـ). المحيط فی اللغة. لبنان - بیروت: عالم الکتب.

صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۵هـ). استفتائات پزشکی. بی‌جا: دارالقرآن الکریم.

صفایی، سید حسین، و اسدالله امامی (۱۳۹۵). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.

قبله‌ای خوبی، خلیل (۱۳۹). مسائل مستحدثه (جنین، کودکان نامشروع، کودکان بزهکار، توارث در اهدای

گامت، تشریح و حجب). تهران: سمت مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی دانشگاه علوم قضائی و

خدمات اداری

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران. تهران: شرکت سهامی انتشار.

لطفی، مجتبی (۱۳۸۱). حقوق طبیعی در قرآن (۱): حق حیات. رشت: انتشارات کتاب مبین.

محسنی، محمدآصف (۱۳۸۴). «سقط جنین در فقه اسلامی». فصلنامه باروری و ناباروری، ۴ (۶)، ص ۳۹۰

محمودزاده ازبری، محمدجواد (۱۳۸۹). «بررسی فقهی-حقوقی حق حیات جنین». پایان‌نامه مقطع کارشناسی

ارشد معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور تهران.

معلوف، لوئیس (۱۹۹۲م). المنجد. بیروت: دار المشرق.

معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: ادنا.

مهرگان، امیرحسین (۱۳۸۴). «سقط جنین و حقوق بشر در آیینه حقوق بین‌الملل». فصلنامه باروری و ناباروری،

۴ (۶)، ص ۴۱۰-۴۴۰.

نایب زاده، عباس (۱۳۸۰). بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی (مادر جانشین- اهداء

تخمک/جنین). تهران: انتشارات مجد.

نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴هـ). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: داراحیاء التراث العربی.

نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸هـ). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء

التراث.

ویلسون، رابرت (۱۳۷۱). بیماری‌های زنان و زایمان. ترجمه علی نوری. تهران: نشر شهر آب.

Bergstrom, S. (1992). Reproductive failure as a health priority in the Third world: a review. East African medical journal, 69(4), pp: 174-180

- Cynthia S, Marietta J.D, LL. M. Frozen Embryo Litigation Spotlights Pressing Questions: What is the Legal Status of an Embryo and Can It Be Adopted? Health Law Perspectives. Health Law & Policy Institute University of Houston Law Center; 2010. pp: 1-8.
- Dyer,S.J., Abrahams,N.,Hoffman,M.& van der Spuy,Z.M.(2002b).infertility in South Africa: womens reproductive health Knowledge and treatment-seeking behaviour For involuntary child lessness. Human Reproduction.17 (6), pp: 1657-1662
- Larsen U. Primary and secondary infertility in sub-Saharan Africa. Int J Epidemiol. 2000; 29(2):285-91.
- Seroure, G.I. (1996).Bioethics in reproductive health: a Muslims persprctive.Middle East Fertility society Journal, 1(1), pp: 5-30
- Sharma A, Kumar P.Understanding implantation window, a crucial phenomenon. Hum Reprod Sci. (2012 Jan), 5(1), pp: 2-6
- Veek, LL. Bodine r. Clark rn. High pregnancy rates can be achieved after freezing and thawing human blastocysts.2004: 85(2): 141-2.
- Whittingham dg. Survival of mouse embryos after freezing and thawing. nature.1971: 23(5315): 1251-1264.
- Wilcox AJ, Baird DD, Weinberg CR (1999). "Time of implantation of the Conceptus and loss of pregnancy". New England Journal of Medicine. 340 (23): 1796–1799.
- Yanabimachi R.Mammalian fertilization. In: the physiology of reproduction.new York: knobil e. neill j. eds. Raven press: 1994.189.
- Zegers-Hochschild, F., Adamson, G. D., de Mouzon, J., Ishihara, O., Mansour, R., Nygren, K., et al. (2009). The International Committee for Monitoring Assisted Reproductive Technology (ICMART) and the World Health Organization (WHO) Revised Glossary on ART. Terminology. Fertility and Sterility, 92, 1520-1524